



آفرینندگان نو

آرون

کوپلند

### در جستجوی ریشه‌های بومی

گاهی اوقات، تلاشی که از جانب کشورهای نوحاسته برای رهایی از تنگنای موسیقی «کلاسیک» یا طرد جریانه‌های خارجی، بظهور میرسد، در آهنگهای آنها سبب یکنوع ناسازی و نازیبائی می‌گردد.

در اثر فقدان سنت‌ها، شخص در برابر هر چیزی که در نظر وی پوسیده و ارتجاعی جلوه کند به نبرد و واکنش برمیخیزد. یا آنکه در راه جستجوی کمال مطلوب، با عدم دسترسی به قدرت و ظرفیت لازم در کار جان بخشیدن و شخصیت دادن به اثر خویش فرو میانند.

«راجرشن» آهنگساز امریکائی بر این اندیشه است که هم میهنان او «در خیال خویش به موسیقی‌ای دل سپرده‌اند که سخت شکفت و دیگرگونه است، موسیقی‌ای که از نظر وزن و گیرندگی ذاتی، خود آفریده شکل‌های دلکش و خاطر-

فرب است و از کمال و فوران اثری در آن نمی توان یافت، موسیقی ای که از فرط  
تشخص و بی نیازی با هر گونه تأثیر خارجی سر عناد دارد و نیروی خلاقه خود را جز  
از حقایق برشور منطلق نمی ستاند. موسیقی ای که در عین تازگی و طراوت ظاهری،  
دارای طنز نهفته ای نیز باشد، از جذبه های خشن و حقیقی زندگی دوری گزیند و در کنار  
آن باشد که با محتوی خود دری را از جهان رنگها و هماهنگی ها بروی شنونده  
بکشاید.

هیچ آهنگسازی هنگامی که در باره دیگران لب بسخن می کشاید از لغزش و  
انحراف بدور نیست، اما در این میان می توان روی سلسله ای از صفات چه منفی و  
چه مثبت انگشت نهاد، و به کیفیت تصنیف آهنگهای امریکائی که در خلال ربع قرن  
گذشته و از هنگامیکه نیروی کشندگی و جاذبه موسیقی میاهان و سرخ بوستان  
به ناتوانی گرائید، پی برد.

ما در راه شناخت نوعی از موسیقی هستیم که در اصل دارای ریشه ای امریکائی  
باشد و - بعبارت دیگر در آن بتوان به یک خصیصه ملی دست یافت - پیش از آنکه  
بمعد یابسهو زندگی آن با «امبرسیو تیسیم» یا شیوه کار «استراوینسکی»، «شونبرگ»  
و «هیندمیت» هم پیوند گردد.

در امریکا بسیاری از آهنگسازان - و که گاه بهترین آنها - در دام فریبنده  
«جاز» پای بند گشتند. پیروزی «گرشوین» در این بینه، بسیاری از مردان را، از توانا  
و غیر توانا در راه کشانید.

این فرب در «آرون کوبلند» بومی شهر «بروکلین» و زاده واپسین سال -  
های قرن گذشته نیز کارگر افتاد ولی نتوانست ویرا از طریق اصالی خویش منحرف  
نماید.

رساله جامع علوم انسانی

مهاجر بلند پرواز

هنگامیکه خانواده یهودی «کابلان» پای در سرزمین امریکا نهاد، مقاماتی  
که آنها را پذیرفتند، اشتباهاً آنان را به نام «کوبلند» خواندند و این نام همچنان  
باقی ماند.

«آرون» همیشه در سینه خود چشمه جوشانی از «نتها» و حرفها داشته است.  
آنگونه که وی در کتاب خویش بنام «موسیقی نوین ما» باز می گوید، پژوهنده  
بوضوح درمی یابد که «آرون» در یک خانواده موسیقی دان بزرگ نشده است.  
در کودکی به یک مدرسه معمولی ابتدائی میرفت و سپس بدیورستان پسران راه

یافت. نخستین معلم پیانوی او خواهرش بود و سپس در محضر کسانی مانند «لئوپولد ولفسن» ۱، «ویکتور ویتنگشتین» ۲ و «کلارنس ادلر» ۳ به شاگردی پرداخت. «آرون» که نواختن پیانورا از سیزده سالگی آغاز کرده بود، بزودی جوش و خروش آهنگپارا در خاطر خویش حس کرد.

از هفده تا بیست و یک سالگی نزد «رابین گلدمارک» ۴ که یکی از چهره‌های درخشان موسیقی امریکا بود به تعلیم پرداخت. باید خاطر نشان کرد که «گلدمارک» خود شاگرد «دورژاک» ۵ بوده است. ابرای معروف «ملکه صبا» که در اروپا به موفقیت شایانی نائل آمد از ساخته های عم او «کارل گلدمارک» می باشد. «کوپلند» این بغت بلند را داشت که نخستین هنرجوی امریکایی در مدرسه موسیقی «فونتن بلو» در فرانسه باشد (۱۹۲۱). سپس به محفل درس «نادیا بولانژه» در پاریس پیوست و این «نادیا» همانی است که «روی هاریس» را دلیل راه شد و بسیاری دیگر از آهنگسازان امریکایی را تحت تأثیر قرارداد.

پیش از بازگشت به ممالک متحده امریکا، کوپلند چندی در معیت «ریکار دو وینس» به نمایش هنر خویش سرگرم بود. در همین هنگام موسیقی نوین فرانسوی بویژه «امبرسیونیس» و نوآوریهای بعد از آن پاریس را سخت در آغوش میفشرد و «قرن» را از شور و هیجان هنرمندانه ای آکنده بود.

در امریکا تا پس از پایان جنگ جهانی اول روح «دبوسی» تنها، یکه تاز جهان موسیقی بشمار می آمد. اما چندی پس از پایان کار جنگ طفیان همه جانبه نوآوران افراطی در اروپای میانه، رسوخ تند و حاد خود را در سرشت آهنگسازان امریکایی آغاز نمود.

«کوپلند» که در سرزمین های بکر، و دست یافته هر دو گرم کار بود تکاپوی خود را در راه تشریح این که یک زمان می توان در سبک های گونه گون به تلاش و تجربت - اندوزی برخاست، شروع کرد.

### در جستجوی نقطه اتکاء

اولین اثر کوپلند پس از بازگشت به میهن سنفونی برای ارک و ارکستر بود

Victor Wittengstein - ۲      Leopold Wolfson - ۱

Rubin Goldmark - ۴      Clarence Adler - ۳

Dvorak - ۵

که بعد از ده سال یکبار دیگر توسط «کوسه ویسکی» نواخته شد. این اثر را بدشواری می‌توان بعنوان نمونه خوب و ارزنده‌ای از نیرو و اندیشه کوپلند تلقی نمود. هر چند که یکی از منقدین از آن با عبارت «طنیان ناگفتنی و هیجان انکار نشدنی» یاد نموده است.

کوپلند چندگاهی ناچار از آن شد که برای تأمین زیست، هنر خویش را کم و بیش به سوداگری گذارد.

در ۱۹۲۵ به عضویت انجمن یادبود «گاکن هیم» مفتخر گشت و از آن پس دیگر هنرمند، برای نان روزانه خویش نگران و پربیشان خاطر نبود.

با آفرینش آثاری چون «موسیقی برای تئاتر» و «کنسرتو پیانو» در سال‌های ۱۹۲۵ و ۲۶، در همان بجهوحه‌ای که آهنگسازان جوان همانند کشتی‌های شکسته نژند و ناتوان بودند، کوپلند با گامی استوارتر و بینشی عمیق‌تر بسوی کانون وحدت و موفقیت راه می‌سپرد.

کرایش وی بجانب موسیقی جاز، تباهاش نساخت در حالیکه کمتر آهنگسازی توانسته است این طریق دشوار و منحرف کننده را با چنین قدرت و مهارتی بسر رساند.

اثر معروف کوپلند «موسیقی برای تئاتر» بنا بر درخواست جامعه آهنگسازان به یادبود آهنگساز معروف «مک داول کلنی» در «نیوهمپشایر» آغاز گردید که در حقیقت نیز یادبود گرامی و ارزشمندی بشمار میرود.

آنسال تابستان اقامت موسیقی دانان در آن کلبه های چوبی که میان جنگل پراکنده بود فراغ بالی را که آن هنرمندان آرزو میکردند بدانها ارزانی کرد.

کوپلند با تصنیف قطعات کوچک گوناگون و متنوع نشان داد که دارای چه روح دمساز و انعطاف پذیری است. برای نمونه «موسیقی تئاتر» او را می‌توان نام برد که بوسیله یک دسته هجده نفری (حد اقل تعداد) نیز قابل اجرا است.

اثری که ذکر آن رفت سبب شد که کوپلند به فستیوال «انجمن بین‌المللی موسیقی معاصر» در فرانکفورت، معرفی شود (۱۹۲۷).

از اینجا نیز پای وی با «آهنگهای گونه‌گون برای پیانو» - در ۱۹۳۳ - به مجمع آمستردام باز شد. در ۱۹۳۸ بار دیگر با آهنگ زیبا و دلکشی برای رقص بنام «سالن مکزیکو» به مجمع مزبور رفت. و الحق که بعد از «روز شابر به

در اسپانی «آهنک دیگری نمی توان یافت که چنین آکنده از نشئه و نشاط باشد . می توان گفت که کوپلند طی سه سالی که به موسیقی جاز پرداخت و شش ماهت سال پس از آن که به «مدرنیزم» بسیار پیش رفته ای اقبال نمود، چندین دوره متمایز را پشت سر گذاشته است.

در کار قبول و پذیرش نو آوریهای موسیقی ، تاریخ ، همیشه صدق مدعای شنوندگان انگلیسی را تأیید کرده است. اینان می گویند آنچه که در مغازه های صفحه فروشی انگلیسی گهنگه می شود پس از مدتها تازه در امریکا مد روز میگردد یا حداقل سخت مورد توجه واقع می شود!

در خلال چند سال بعدی، کوپلند باشکفتگی و فعالیت بی نظیری دست به تصنیف آهنگهای زد که شاید بتوان آنها را آهنگهای «محبوب و مورد توجه همگان» قلمداد نمود.

او در کار آن بود که میان انسان خیابان و موسیقی دانی که در برج عاج خویش نشسته است پیوندی ایجاد کند .

وی همچنین خوشتن را با ایزاد گفتارها و انجام برنامه های درسی که گاه بیکاه در «برک شایر» واقع در «هاروارد» که کانون موسیقی عصر محسوب می شد سرگرم می نمود. وی نقش بسیار مؤثری در اجرای کنسرتها و تدارک فستیوالهای جامعه و اتحادیه آهنگسازان امریکا ایفا میکرد . اتحادیه مزبور که بسال ۱۹۳۷ تأسیس یافت حامی و پشت و پناه موسیقی دانان و آهنگسازان بشمار میرفت.

کوپلند تحت عنوان : «چرا به موسیقی کلمی و موسیقی جدید، باید گوش فرا داشت ؟» چند کتاب برشته تحریر کشیده و مقالات بیشماری بقلم او در هفته نامه ها و ماهنامه های هنری بطبع رسیده است.

کاوش سودمندی بنام «موسیقی رادیومی» از جانب او صورت گرفته است. کوپلند تحت عنوان فوق نشان میدهد که چگونه می توان قطعات مطمئن و شورانگیز را با آرامش و صفای موسیقی عامیانه درهم آمیخت . بدین ترتیب او جدائی خویش را از روش های خودستایانه و نادلبذیر دیگران، به همگان باز نمود.

کوپلند تحقیقات خود را در زمینه ای که یاد شد، بنا به ماموریتی که «سازمان رادیومی کلمبیا» بعهده وی گذاشت آغاز کرد، تا بویژه طریق صحیحی برای اجرای موسیقی رادیومی پیش پای پژوهندگان گذارد .

خود آهنگساز در این مورد چنین نوشته است : « .. دلالتی است برای کسانی که با اصطلاح نام « آهنگساز نوین » بر خود نهاده اند تا مگر شکافی را که میان آنان و اندیشه قاطبه مردم موجود است با کزیدن يك سبك ساده و قابل فهم، پرتوانند کرد .. »

از شنوندگان خواسته شد که برای قطعه‌ای که کوپلند بعنوان نمونه تصنیف کرده بود نامی برگزینند و سرانجام درحالی که رضایت هیچیک از آنان کاملاً جلب نشده بود نام « ساکای مرغزار » پذیرفته شد.

بگفته. کوپلند این آهنگ نمودار است از وضع محیطی که باید در کار، بدان بدل توجه گردد. از آن پس وصول به کیفیتی که مورد نظر کوپلند است و دسترسی به - احساسی که وی وجودش را لازم میداند، همه جا از جانب صاحب نظران موسیقی امریکائی تعقیب شده است.

همزمان با آفرینش اثری که ذکر آن رفت، کوپلند ساختن اپرایی را برای نمایش، بنام « دومین طوفان » وجهه همت خویش ساخت.

تمایل و کرایش کوپلند را به کارهای سوداوری که بنا بگفته خود او بخاطر نزدیکی و تطبیق شعور اکثریت هوشمند اجتماع با موسیقی معاصر صورت گرفته، می توان به نرمی و انعطاف پذیری روح قومی سوداگر او نسبت داد ( بشرط آنکه از این گفته تعبیرهای ناخوشایند و تمصب آمیز بعمل نیاید ).

بسیاری از ساخته ها و گفتارهای وی چنین انگیزه ای داشته اند و همین سائقه او را به « مؤسسه جدید کاوش های اجتماعی » کشانده است. تذکار این نکته نیز شاید بیجا نباشد که کوپلند از آنجا که به افکار و اندیشه های کارگری رغبتی تمام داشت به - معاونت « انجمن کارگری موسیقی » انگلستان برگزیده شد.

### ✽ کارهای با ارزش در زمینه همگانی گردان موسیقی

مشهورترین آهنگ وی « پیش درآمد کلکشت » ۲ می باشد که هنرستان « برینسپیل » از او درخواست بود و کوپلند نیز « پیش درآمد کلکشت » را ساخت . این آهنگ چنان خوشایند و فریبنده است که در جوانان اثری خاص و شورانگیز می گذارد.

واکنش کوپلند در برابر انگیزه های خارجی یکی از عناصر میزبه شخصیت

۱ - « ساکا » به داستانهای اطلاق می شود که از زندگی قهرمانان اسکاندیناوی در قرون وسطی برداشته اند .

Outdoor Overture - ۲

اوست. این گونه انگیزه‌ها در امریکا بیشتر مجال گسترش و رشد دارند تا در انگلستان. کوپلند «تصویر لینکلن» را در ۱۹۴۲ تصنیف نمود. در پدید آمدن این آهنگ نیز یک انگیزه خارجی موثر بود. «کوستلاننتس»<sup>۱</sup> رهبر ارکستر آرزوی تجلیل گذشته و حال امریکارا در جهان موسیقی داشت و از وی چنین خواسته بود.

قطعه نامبرده دو حماسه را از زندگی «لینکلن» بهم پیوسته بود. در سه بخش نخستین محیط‌کشنده و مرگباری که در اطراف رئیس‌جمهوری وجود داشت، روح‌زمان او را با فصاحت می‌نمایاند و در آخرین بخش، گوینده‌ای به صحنه پای می‌گذاشت و برگزیده‌ای از گفته‌های «لینکلن» را بر می‌خواند.

بیشتر آهنگسازان قرن حاضر امریکا آثار خود را تحت تأثیر خواسته‌دیگران یا رقابت با یکدیگر، برای ربودن جوایز، بوجود آورده‌اند.

فی‌المثل هنگامیکه یک شرکت رادیومی جایزه‌ای را معادل ده هزار دلار در میان نهاد، پانصد و هفتاد و سه اثر بشرکت ارائه شد.

غیر از کوپلند، آهنگسازان مشهور دیگری که در آفریدن قطعه‌های خویش قصدی چنین داشته‌اند عبارتند از «استیل»<sup>۲</sup>، «بنت»<sup>۳</sup> و «گرومن برک»<sup>۴</sup>.

فرصتی که از این طریق برای آهنگسازان امریکامسی در شنیدن آثار جدید بوجود آمده بسیار مغتنم بوده است. سال ۱۹۴۴ کوپلند بخاطر باله «بهار آبلالاش» به ربودن جایزه «پولیتزر» نائل آمد.

باید متذکر شد که مؤسسه «الیزابت اسپراگ کولیدج»<sup>۴</sup> بود که بخاطر رقاصه خود «مارتا گراهام» مأموریت تصنیف این اثر را به کوپلند واگذاشت.

باله نامبرده که صاحب‌نظران آن را شاعرانه‌ترین و رسیده‌ترین اثر کوپلند در خلال ربع قرن فعالیت اودانسته‌اند، چنان منظره‌ای بوجود می‌آورد که «مارتا گراهام» چنین می‌ستایدش: «نقش و نگار زندگی ما، در آن لحظه که بهار «پنسیلوانیا» همچون باغی در شرق بهشت بود، زن و مردی که آشیان خویش را با عشق و شادی و نیایش بنیاد نهاده بودند، بهار را جشن می‌گرفتند، همراه با مردی که از مصلحان مذهبی بود و هماغه‌ها که وی که بانگ خوشدلی بر میکشیدند، همراه با زن پیشگامی که رویای سرزمین موعود را در سر می‌پرورانید.»

در راه شناخت و تعبیر ریشه‌های نیرومند و حیاتی زندگی امریکا، عناصری کم و بیش ابتدائی را چون مذهب، سرزمینی تادامن افق رفته، غم‌ها و شادیهایی نامساز

۱ - Kostelanentz - ۲ - Bennett

۳ - Gruenberg - ۴ - Elisabeth Sprague Coolidge

نخستین مسافران و محتوی هشیاری و آگاهی عصر جدید را بایکدیگر عجین و آمیخته می‌بینیم. (اگر اینهمه دروادی هنر قابل تفسیر و تاویل باشد.)

## ✽ بازگویی اقتضای زمان

«دیوید هال» ناقد موسیقی بر این اندیشه است که «بهارآپالاش» ترکیبی است از شیوه‌های ویژه‌ای که کوبلند در هنر خویش بکار می‌بندد. «دیوید هال» احساس خود را در این مورد چنین بیان می‌دارد: «آغاز و پایان شکوهمند صحنه‌ها، تجسم دورنمای سرزمین‌های آمریکا از میزات نیرومند کوبلند است، شاعر خنیاگری که «شهر آرام»، «موسیقی برای تئاتر» و «تصویر لینکلن» را آفرینده است...»

«سنفونی کوتاه» و «واریاسیونهای پیانو» ترکیب تند و خروشان (آلکرو) در اول و ریتم بسی آرام «رقص عروس»، سیبای خشن و مجرد موسیقی آهنکساز را می‌نمایاند. توالی شکفت انگیز «کادری» برای «مصلح مذهبی» و باران او و برگشت دلاویز آهنکها، همچنین آثاری چون «موهبت سادگی» رازگرمی بودن وی نزد توده‌های عظیم مردم آمریکا را بما باز می‌گوید. وی آهنکسازی است که «باله کاوچرانان»، «بیلی بزر بچه» و «رودنو» و «پیش درآمد گلگشت» را خلق کرده است.

کوبلند سال ۱۹۴۴ از جانب «مؤسسه کوسه ویتسکی» ماموریت دیگری یافت.

یکی از ساخته‌های دیرین کوبلند قطعه‌ایست چهل دقیقه‌ای که برای فیلم «موشها و آدمها» اثر «جان اشتین بک» تنظیم کرده است. «شهر آرام» که بیشتر نیز ذکر آن رفت برای ترومپت و سازهای زهی و بنظور بیان صحنه‌های نمایشنامه‌ای که «ایروین شاو» برشته تحریر کشیده بود ساخته شده است. عنوان نمایشنامه مزبور چنین است: «یک فانتزی واقعی که با اندیشه‌های شبانه بسیاری از مردم گوناگون «شهر آرام» پیوند دارد».

کوبلند طی حشر و نشرهای دیگری که با مردان تئاتر داشت، بخواهش «کلیفرد

---

۱ - «Quadrille» رقصی است که بسا شرکت پنج نفر و بضرب  $\frac{2}{4}$  و  $\frac{3}{8}$  صورت می‌گیرد. این رقص بویژه در قرن نوزدهم بسیار معمول و متداول بوده است.



اودت « نایب‌نامه نویس، يك « سونات بیانو » که مشتمل بر سه بخش بود نوشت . سپس به ساختن آهنگ برای فیلم‌های مستند «شهر» و « ستاره شمالی » پرداخت.

این است نمونه‌ای از زندگی و شیوه کار مرد فعال و پرثمری که در خلال متجاوز از چهل سالی که گرم آهنگسازی بوده آثار فراوانی بوجود آورده و بهمین سان در طی سالهای آینده همگام با جریان وقایع ، استعداد شکوفان خود را همچنان بکار خواهد بست.

اما این حقیقت نیز نهفتنی نیست که بعضی آثار اخیر این « پیشتاز پرثمر آهنگسازان امریکا » به سیر قهرمانی روی کرده است و همگان درمی یابند که اقبال به سبکهای گونه گونه، چندان زیبایی و لطفی در بر ندارد. در « سفونی سوم » و برای « سرزمین دلپذیر » ۱ جاذبه و رشد احساسات سخت و گره خورده نژاد سامی را می-توان دریافت. « سفونی سوم » را بنا به فتوای بسیاری از داوران شاید بتوان در شمار بهترین کارهای طولانی و ممتد کویلند قلمداد کرد.

ایرانی « سرزمین دلپذیر » که در اثر ترغیب « روجرز و هامرشتین » ساخته شد، مایه خود را از زندگی يك نژاد عزلت گزین روستایی در مغرب، باز گرفته است. این اثر شور و حیاتی را که لازمه موسیقی صحنه ایست فاقد می باشد، معذک از طرف مطبوعات باحسن استقبال مواجه شده است.

محتمل است کویلند که مانند بسیاری از آهنگسازان دردورانی از تاریخ هنر که انتقاد کمتر وجود داشته زیسته ، و هر حادثه و تجربه‌ای وی را ترغیب و تشویق نموده است، همچنان بزندگی دردنیای انفرادی خود ادامه دهد و از شیوه تخیلی و غالباً بسیار جذاب خویش دست برندارد .

در نیمه دوم قرن بیستم هنوز افق های تازه تری در طریق پیشرفت و تکامل، دامن گسترده و کویلند تاکنون در شمار نامداران و پیشاهنگان این طریق بوده است.

ترجمه اردشیر لطفعلیان